

بهار سرمایه گذاری خارجی

در سه ماهه نخست سال جاری، مجوز بیش از ۹ میلیارد و ۱۱۸ میلیون و ۵۴۱ هزار دلار سرمایه خارجی صادر شده است.

در سال گذشته مجوز ۱۰ میلیارد و ۱۶۱ میلیون و ۵۳۲ هزار دلار سرمایه خارجی تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی صادر شده است. آمارهای منتشر شده توسط سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران، بیانگر این مطلب است که تقاضای سرمایه گذاری خارجی در ایران طی سه ماهه اول ۸۶ افزایش یافته است. به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، در سه ماهه نخست سال جاری برای ۳۶ طرح داخلی مجوز جذب بیش از ۹ میلیارد و ۱۱۸ میلیون و ۵۴۱ هزار دلار سرمایه خارجی صادر شده است. جدول ذیل، بیانگر میزان سرمایه گذاری خارجی در ایران طی دوره ۱۳۷۲ تا سه ماهه اول ۱۳۸۶ است که در مجموع بیش از ۳۰ میلیارد و ۳۶۳ میلیون دلار سرمایه خارجی برای ۳۶۱ طرح سرمایه گذاری داخلی جذب گردیده است.

روند سرمایه گذاری خارجی در ایران

سال	تعداد طرح	حجم سرمایه*
۱۳۷۲	۲	۲۰/۳۲۰
۱۳۷۳	۳	۱۸۷/۶۵۳
۱۳۷۴	۷	۱۲۲/۷۳۸
۱۳۷۵	۱۳	۶۷/۰۰۴
۱۳۷۶	۱۹	۱۷۴/۸۳۹
۱۳۷۷	۶	۵/۸۴۰
۱۳۷۸	۱۸	۱۰۴۹/۲۹۶
۱۳۷۹	۱۶	۴۳۸/۶۶۹
۱۳۸۰	۷	۶۷/۹۹۱
۱۳۸۱	۲۸	۶۱۲/۹۶۵
۱۳۸۲	۴۰	۱,۳۵۷/۶۲۶
۱۳۸۳	۳۱	۲,۷۰۲/۷۳۸
۱۳۸۴	۶۰	۴,۲۷۵/۴۵۳
۱۳۸۵	۷۹	۱۰,۱۶۷/۵۳۲
سه ماهه نخست ۸۶	۳۲	۹,۱۱۸/۵۴۱
کل	۳۶۱	۳۰,۳۶۳/۲۰۵

* میلیون دلار

استخراج: از سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی.

دوستی مصلحتی

روابط رو به گسترش ایران و ونزولا، فاقد پیوند و سازمان دهی آرگانیک است.

نوعی چپ گرایی جدید که متضمن عدالت طلبی نیز باشد، به تدریج و طی سال های اخیر، برای جمهوری اسلامی ایران جذاب و جالب شده است. مهمترین عنصر پیونددهنده که توانست سیاست خارجی ایران را معطوف به این بخش از جهان نماید، عنصر خصومت با ایالات متحد بوده است. ایران و کشورهای آمریکای لاتین - به ویژه چپ گرایان جدید - هر دو مصمم به رهایی از وابستگی یک جانبه و رقم زدن نظام چندجانبه گرایی در جهان هستند. در عین حال، مبارزه با هژمون تک قطبی، دغدغه هر دو منطقه است، علیرغم این که فاصله جغرافیایی دو کشور، مزایای نسبی اقتصادی را از بین می برد. در شرایط فعلی، اهداف استراتژیک ایران، هماهنگی بیشتری با آمریکای لاتین به ویژه ونزولا دارد که عوامل آن به شرح زیر قابل تبیین است. این عوامل را می توان با عنوان عوامل هم گرایانه توصیف کرد.

□ فعال گرایی (Activism) در سیاست خارجی جدا از الگوی نظام تک قطبی و به شکل های مختلف
□ اعلام استقلال و برائت از سیاست های منطقه ای و بین المللی آمریکا و مبارزه با هژمونی آن به روش های مختلف
□ تلاش این محورها - به ویژه ونزولا - برای توزیع درآمد نفتی به صورت عادلانه در جامعه
□ انحصار شکنی رسانه های قدرتمند غربی
□ فعالیت های مستمر در مجامع بین المللی و سازمان های منطقه ای جهت توسعه روابط تجاری - سیاسی

اما عوامل واگرایانه ای نیز در رقابت ایران و آمریکا در حوزه آمریکای لاتین وجود دارد که عبارتند از:

(۱) دوری مسافت جغرافیایی که به طور طبیعی منجر به افزایش هزینه های حمل و کاهش مزیت اقتصادی می گردد.
(۲) دوری مسافت بین ایران و آمریکای جنوبی که باعث ناکارآمدی توافقات امنیتی و نظامی در شرایط حاد و بحرانی می شود.

(۳) خصوصیات فرهنگی و مذهبی متفاوت.
(۴) حساسیت ایالات متحد به روابط استراتژیک ایران و کشورهای منطقه (کوبا و ونزولا).

در این میان، به نظر می رسد روابط جدید ایران و ونزولا تنها براساس علاقه شخصی هوگو چاوز بنا شده و فاقد پیوند و سازمان دهی آرگانیک است. لذا در صورت وقوع هر تحولی در ساختار کنونی این کشور، احتمال دگرگونی اساسی در دیگر روابط، دور از انتظار نخواهد بود. نباید فراموش کرد که منطقه آمریکای لاتین به نام قاره دیکتاتورها، احزاب و انقلاب ها مشهور است و تجربه عملکرد ایالات متحد نشان داده که این کشور در مقابل حیاط خلوت خود، از هیچ گونه اقدامی - از نوع سخت تا نرم - فروگذار نیست. لذا شایسته است مسئولان سیاست خارجی و نهادهای ذیربط، در مناسبات دو جانبه یا چند جانبه، به دنبال روش های ساده و مؤثری باشند که حداکثر منافع ملی را برآورده ساخته و از هدر رفتن منابع و امکانات کشورمان پیشگیری کنند. ■

آمریکایی ها طی دو قرن، آمریکای لاتین را جزئی پیوسته از قاره بزرگ خود می دانستند. لذا مدل "دکترین مونروئه" با تمام قدرت در این قاره اعمال شده و به نوعی، آمریکای جنوبی از اقبال کانون سرمایه داری جهانی بوده است. در دوره ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰، ایالات متحد به ویژه از طریق ابزارهای سلطه نظامی (پایگاه های نظامی، مداخله مستقیم یا غیرمستقیم، جنگ های موسوم به کثیف و دیپلماسی یک سوپه) و ابزارهای اقتصادی (مدل لیبرالیزم و نتولیرالیزم و مداخله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) در این قاره هژمون کامل بوده است.

اما در اواخر دهه ۱۹۸۰، هژمونی ایجاد شده فرو ریخت که این مسأله، معلول علت های زیادی بود. ظهور احزاب قدرتمند از طبقات کارگری و دانشجویی، طلوع رهبران جدید، طرح مطالبات گسترده بومیان به حاشیه رانده شده، شکست برنامه های اقتصادی تجویزی و حتی فروپاشی اقتصادی (همچون آرژانتین در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲) و آگاهی یافتن ملت ها از طعم تلخ بی عدالتی جعلی موجب شدند تا رهبرانی جدید از درون مردم و با انتخابات آزاد به قدرت برسند.

به موازات، در سیاست خارجی ایالات متحد، اولویت ها تغییر یافت، زیرا تحولات فلسطین، اسرائیل، لبنان، حزب الله، ایران، سوریه، کره شمالی، عراق و افغانستان در کانون تحولات سیاسی - استراتژیک قرار گرفتند و نگاه ایالات متحد به آمریکای لاتین کمرنگ شد. عامل اخیر به همراه برخی عوامل داخلی کشورهای منطقه آمریکای جنوبی، شرایط جدیدی را برای این منطقه ایجاد کرد. دستاورد تئوریک شرایط جدید، ظهور چپ گرایی از نوع ملایم تا قدرتمند آن به شکل سوسیالیسم قرن ۲۱ هوگو چاوز بود. همزمان با استمرار ادبیات سیمون بولیواری چاوز در حرکت به سمت همگرایی منطقه ای قدرتمند در قالب پیمان مرکوسور، سایر کشورهای منطقه نیز به رهایی از هژمون ایالات متحد تمایل پیدا کردند.

اما رژیم های سیاسی جدید منطقه آمریکای لاتین، چند ویژگی مشترک دیگر به شرح زیر دارند:

● شیوه به قدرت رسیدن رهبران جدید، همگی از طریق انتخابات آزاد بوده است.

● فقر و محرومین از جمله حاشیه نشینان، اکثر جمعیت کشورهای آمریکای لاتین را تشکیل می دهند. البته یک طبقه اقلیت دارای ثروت و قدرت نیز همواره وجود دارد.

● بومیان - به ویژه در حوزه آند - اکثریت جمعیت کشورهای این منطقه را تشکیل می دهند. به همین دلیل، رهبران جدید، ارتباط مستقیمی با بومیان دارند.

● اکثر رهبران جدید منطقه آمریکای لاتین به دلیل سوءظن به نهادهای اقتصادی بین المللی، به دنبال ساختار جدیدی هستند که مبنای آن، همکاری جنوب - جنوب بوده و در قالب پیمان مرکوسور در حال پیگیری است.

رقابت در لاتین

تحولات جدید آمریکای لاتین در حرکت به سمت